

بررسی سبک نثر «قوانین دستگیری»

طاهره میرزائی*، علی (پدرام) میرزائی، مرتضی چرمگی عمرانی[†] و محسن صادقی

چکیده

«قوانین دستگیری» اثری گرانبها در زمینه دستور زبان فارسی و معانی بیان است که به صورت نسخه خطی باقی مانده و در صورت تصحیح به شیوه علمی و دقیق، منبعی بسیار ارزشمند به میراث زبان و ادبیات فارسی خواهد افزود. این نسخه خطی متعلق به قرن سیزدهم و اوایل دوره قاجاریه است و به دست مولانا غلام دستگیر به منظور آموزش دستور زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان شبه قاره هند، نگاشته شده است. سبک نثر آن ویژگی‌های خاصی دارد که در این مقاله به بررسی و تحلیل آن در دو بخش «صوری» و «محتوایی» پرداخته‌ایم. در بخش صوری، ویژگی‌های زبانی از قبیل کاربرد افعال و ترکیبات و واژگان و مختصات ادبی چون آرایه‌های بدیعی و بیانی بررسی شده و در بخش محتوایی به خصوصیات چگونگی استناد علمی و امانت‌داری، دقت در بیان مباحث و نگاه تحلیلی و انتقادی نویسنده اشاره شده است. ذوق سلیم و طبع ادیبانه نویسنده، از متن اثر به‌خوبی پیداست. از آنجا که این اثر در خارج از مرزهای ایران نگاشته شده است، سبک‌شناسی آن، موقعیت نثر فارسی دوره قاجار را در شبه قاره هند نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: قوانین دستگیری، سبک‌شناسی نثر فارسی، ادبیات شبه‌قاره

مقدمه

سبک هر نویسنده در بیان الفاظ و ترکیبات و جمله‌ها از یک طرف و مفاهیم ذهنی و افکار و اندیشه‌های او در شناخت پدیده‌ها و درک اوضاع زمانه خود که نگرش او را تشکیل می‌دهد از طرف دیگر، شناسنامه کاری و هویت هنری او را مشخص می‌کند. در این میان، کتاب‌های نثر در شناخت سبک‌های متعدد زبانی و ادبی و فکری نسبت به کتاب‌های شعر حایز اهمیت بیشتری است؛ زیرا که تطور و تحول زبانی هر دوره را به‌خوبی در خود منعکس ساخته‌اند. این نکته مهم‌ترین مسئله‌ای است که بسیاری از سبک‌شناسان و زبان‌شناسان نظیر بهار و خانلری را واداشته که برای شناخت سبک نویسنده و سبک‌های عصر او و نیز تحول زبانی و ادبی آن دوره به کتب منثور مراجعه کنند و آنها را سند و منبع مطالعات و فرضیه‌های خود قرار دهند (اویسی، ۱۳۹۴: ۸).

t.mirzaei@yahoo.com

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (مسئول مکاتبات)

alipedram.mirzaei@gmail.com

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

momraniyasini@yahoo.com

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، خراسان رضوی، ایران

sadeghi.m@pnurazavi.ac.ir

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، خراسان رضوی، ایران

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۶

مصححان دقیق‌النظر از دیرباز به سبک ویژه نویسندگان توجه کرده و در کار تصحیح همواره به سبک زبانی و بیانی و ادبی و فکری نویسنده کتاب نظر داشته‌اند؛ «سبک^۱ در لغت تازی به معنی گذاختن و ریختن زر و نقره است و سبیکه پاره نقره را گویند ... و در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلی و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر» (بهار، ۱۳۵۶: ۱/ب).

بیان مسأله، اهداف و روش تحقیق

توجه به زبان و فرهنگ فارسی در هند منجر به پیدایش جنبش دستورنویسی برای زبان فارسی در این سرزمین شد. این دستورها بیش تر به وسیله فارسی‌زبانان مهاجر و فارسی‌زبانان هندی برای آموزش زبان فارسی نوشته می‌شد که اغلب به زبان فارسی بود. شایان ذکر است گذشتگان تلقی ویژه‌ای از دستور زبان داشته‌اند؛ یعنی اینکه آموزش دستور زبان را برای کسانی لازم می‌دانستند که بخواهند آن زبان را به عنوان زبان دوم بیاموزند؛ بنا بر این کمتر اتفاق می‌افتاد که اهل یک زبان به تألیف و آموزش دستور همان زبان بپردازند. این قاعده دربارهٔ تدوین لغت‌نامه هم صادق بود؛ مثلاً اگر مروری بر فهرست مؤلفان لغت‌نامه‌ها و کتاب‌های صرف و نحو عربی ببندازیم، می‌بینیم، غالب این مؤلفان غیرعرب بوده‌اند. این نظریه دربارهٔ دستورنویسی برای زبان فارسی هم صدق می‌کند؛ چنانکه دستورهای اولیهٔ فارسی را کسانی نوشته‌اند که فارسی‌زبان نبوده‌اند. از سوی دیگر، زبان عربی که افزون بر زبان دینی، زبان سیاسی و علمی آن روزگاران بود، در میان گویندگان فارسی به گونه‌ای رایج بود که آنان را از توجه به زبان فارسی، که حکم زبان محلی را برای نویسندگان داشت، منصرف می‌کرد و مانع می‌شد که به تدوین قاعده‌های آن بپردازند. از این رو، در جست‌وجوی نخستین دستورهای زبان فارسی، لازم است به کشورهای همسایه یا جاهایی که زبان فارسی به دلیل‌هایی مورد توجه بوده است، نگاه کنیم.

برای تدوین تاریخ دستورنویسی برای زبان فارسی به چند موضوع باید توجه داشت؛ یکی زبان اثر، دیگر محل تألیف این دستورها، و سرانجام قومیت و زبان مؤلف. «قوانین دستگیری» که در سال ۱۲۶۵ ه. ق به زبان فارسی، به قلم غلام دستگیر و در هند نگاشته شده است. با توجه به این که «این اثر در دوره‌ای (۱۸۵۷-۱۷۰۷) نوشته شده که از لحاظ زبان‌آموزی و زبانشناسی اهمیت ویژه‌ای در ادبیات فارسی دارد و در این دوره تدوین لغت‌نامه و کتب آموزش دستور زبان فارسی با جدیت بیشتری همراه است» (محمود، ۱۳۸۰: ۳۳۹). آشنایی با این اثر و بررسی سبک‌شناسانه آن، علاوه بر علاوه بر اینکه آگاهی ما را از سبک شخصی نویسنده آن و قدرت او در کاربرد تکنیک‌های زبانی و ادبی بالا می‌برد، رواج و گسترش زبان فارسی را همزمان با دوره قاجار در شبه قاره هند نشان می‌دهد. در این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی و مقایسه‌ای با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی ویژگی‌های سبکی این اثر پرداخته‌ایم.

پیشینه تحقیق

«قوانین دستگیری» با وجود این که اثری مهم در حوزه دستور زبان و یک کتاب علمی و مفصل است، هنوز به صورت نسخه خطی باقی مانده و تصحیح نشده است. در کنار تلاش‌های ارزشمندی که در زمینه پژوهش دستور زبان فارسی توسط بزرگانی چون علامه قزوینی و مجتبی مینوی صورت گرفته، تصحیح این نسخه خطی، به عنوان اثری قابل توجه در دستور زبان فارسی، لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

«قوانین دستگیری»

«قوانین دستگیری» در سال ۱۲۶۵ هجری قمری نوشته شده و از نظر تاریخی همزمان با اواسط دوره قاجار است. این کتاب در

¹ style

برخی منابع کتاب‌شناسی و تاریخ ادبیات به طور مختصر معرفی شده است:

در کتاب‌شناسی دستور نوشته ایرج افشار از آن نام برده شده است (افشار، ۱۳۳۳: ۳۷) و در کتاب تاریخ ادبیات فارسی در شبه قاره هند، نوشته است: «قوانین دستگیری اثر غلام دستگیر فرزند غلامحسین. این کتاب علمی و مفصل در سال ۱۲۶۹ق/ ۱۸۵۲م در حیدرآباد دکن نوشته شده و در ۱۲۷۱ق/ ۱۸۵۴م در چاپخانه مولایی چاپ [سنگی] شد. (فیاض، ۱۳۸۰: ۳۵۳) و نیز در کتاب «فهرست کتاب‌های چاپی فارسی»: «قوانین دستگیر: دستور زبان فارسی، منطق و معانی غلام بن غلامحسین دستگیری متخلص به عاجز نقشبندی، هند، طبع مولائی، ۱۲۷۱ق ۳۴۹ صفحه.» (مُشار، ۱۳۵۲: ۳۴۵). همچنین در *دانشنامه زبان و ادب فارسی* در شبه قاره این اثر را چنین معرفی کرده است: «قوانین دستگیری: تألیف غلام دستگیر حیدرآبادی در ۱۲۶۵ق/ ۱۸۳۹م این اثر شامل هشت باب در دو مجلد است و در ۱۲۷۱ در حیدرآباد دکن به چاپ رسید. این اثر دایرةالمعارف گونه‌ای است درباره صرف زبان فارسی، افعال، مصادر، حروف و اقسام نثر.» (مؤذنی، ۱۳۹۲: ۳۵۰).

موضوع اصلی جلد اول این اثر که در این مقاله مد نظر ماست، دستور زبان فارسی است. نویسنده همانند اکثر دستورنویسان شبه‌قاره اثر خویش را به سبک دستور زبان عربی نوشته و بر این اساس کلمه را به سه قسم فعل و اسم و حرف و عبارات نحوی را به مرکب تام و ناقص مجزا نموده است. [این در حالی است که امروزه برخی دستورنویسان این تقسیم بندی کلمه را به شش قسم: اسم، فعل، قید، صفت، حرف و صوت رسانده‌اند (خیام‌پور، ۱۳۷۵: مقدمه) و برخی کلمه را به سه قسم می‌دانند (پنج استاد، ۱۳۷۸: ۳۳)].

علاوه بر مباحث دستوری، مطالبی مربوط به علم معانی و بیان و اسلوب نگارش، حروف شناسی و ... بیان شده است. این اثر به شماره درهای بهشت در هشت باب نوشته شده و هر باب دارای چندین فصل است. جلد نخست را چهار باب تشکیل می‌دهد که باب اول در تعریف صرف، فعل ماضی، و هشت قسم آن، مضارع در نه قاعده، فعل حال، فعل مستقبل، فعل امر، در هفت نوع، نهی، افعال و شبه افعال و مصادر، اماله و مصغر مثنی و جمع و اسم جنس و علم شخص و علم جنس یک لفظ گه گاهی به معنی مفرد و گاهی جمع آید مخارج و صفات حروف، املا و تعریف خط، ترکیب دو کلمه و ادغام، چند قاعده و فایده در املائی و اعراب ترکی نوشته شده است. باب دوم به تعریف اسم و انواع آن اختصاص دارد و در باب سوم اطلاعات تاریخ ادبیات از قبیل اولین شاعر فارسی و شاخه‌های مختلف زبان فارسی که هفت گونه است، می‌پردازد و و مدخلی درباره ماهیت حروف و سه قسم آن که مکتوبی و مسروری و ملفوظی است، می‌گشاید و در باب چهارم مبحث حروف را به تفصیل بیان می‌دارد و انواع حروف از حروف تشبیه گرفته تا حروف ربط و شرط و ... را شرح داده و در پایان مصدر سازی و اسماءالله در فارسی و اسامی مخصوص پادشاهان را مطرح کرده و جلد یکم به پایان می‌رسد.

اصطلاحات دستوری به کاررفته در این کتاب در قیاس با آثار همگن آن در ایران، تقلیدی و مأخوذ از اصطلاحات عربی است. حتی برخی مقوله‌های دستوری که در فارسی مطرح نیست به تقلید از عربی برای زبان فارسی هم بیان شده است؛ مثلاً نقش مبتدا و خبر: «هر گاه صیغه ثنیه در فارسی در محل رفع واقع شود، چنانچه مبتدا یا خبر یا فاعل یا نائب فاعل نیز به الف نویسد چون زیدان آمدند و نشستند، بکران یعنی دو بکر و هم به یا نویسد، اگر در حالت نصب و جر واقع شود. چون زدم زیدین را و دیدم غلام بکرین را و نیز به واو نویسد اگر صیغه جمع در محل رفع واقع شود چنانچه مسلمون آمدند و نشستند مومنون و به یاء نویسد اگر در حالت نصب و جر باشد همچو دیدم مسلمین را و آمد غلام مومنین» (دستگیر، ۱۲۶۵ق: ۱۴۴).

در این اثر به تبعیت از زبان عربی برای افعال ناقص، اسم و فعل تعریف شده است؛ «شدن و بودن و گشتن و اینها را از آن جهت ناقص گویند که معنی فعل لازم بر فاعل تمام شود و معنی فعل متعدی بر فاعل و مفعول به و معانی این افعال با وجود لازم بودن بر فاعل تمام نشود بلکه محتاج است به شیئی آخر [دیگر] که خبر اینهاست و این شیء مفعول اینها نمی‌شود، چه اینها لازم‌اند، چنانکه «شد زید عالم» و «گشت عمرو توانگر» و «بود بکر فاضل» پس شد و گشت و بود افعال ناقص‌اند و زید و عمرو و بکر اسم اینها و عالم و توانگر و فاضل خبر» (همان، ۱۷).

و در مقوله حروف جاره را در فارسی مطرح کرده است؛ « سعدی فرماید: بیت «پنداشت ستمگر که ستم بر ما کرد / در گردن او بماند و بر ما بگذشت» پس «پنداشت» فعل ظن است و «ستمگر» فاعل و کاف بیانی و «ستم» مفعول اول و بر ما جار و مجرور متعلق است به کرد و ضمیر مستتر در این فاعل است و راجع به سوی ستمگر و این به تأویل مفرد مفعول دوم» (همان: ۲۱).

در این کتاب مبحث «فعل» به صورت مفصل بیان شده و به شیوه «آمدنامه»ها به صورت کامل صرف گردیده است. در بحث معلوم و مجهول فعل معلوم را به سیاق بعضی منابع دستور سنتی، «معروف» خوانده است. درباره زمان افعال فعل ماضی نقلی را «ماضی قریب» [در مقابل ماضی بعید] می‌نامد و به جای ماضی التزامی، ماضی محتمل (ماضی متشککی) آورده باشد به کار برده است. همچنین نوع دیگری ماضی استمراری را گاهی به نام «ماضی حالی» یا «ماضی ناواقع» ذکر می‌کند و زمان دیگری از ماضی به نام ماضی معطوف [مثل «آورده داد»] بیان می‌دارد که در کتب دستور زبان امروزی به آن پرداخته نشده است.

مقوله حروف در این کتاب بسیار مفصل بیان شده است. از وجه تسمیه و معنی لغوی هر حرف گرفته تا بیان مخارج و صوت آن همراه با ارائه شواهد؛ «حرف حاء مهمل: که حاء حطی نیز گویند، به معنی زن تیززبان و زبان‌آور و مسماش «ح» و به حساب ابجد هشت عدد دارد و یکی از هشت حروف متروک پارسی است و جز در الفاظ عربی نیاید» (همان: ۵۱).

همان گونه که گذشت «دستوریان شبه قاره کتاب‌های دستوری به زبان فارسی تألیف کردند اما در تألیف متأثر از زبان عربی بودند. این نکته نشانگر همان جریان رایج سیر تاریخی زبان فارسی در ایران و مجاورت و آمیختگی آن با زبان عربی است که در گونه نوشتاری ادبی و نیز تألیفات دستوری شبه قاره هم تأثیر گذار بوده است. در این آثار جنبه توصیف یا تحقیق درباره مسائل زبان فارسی آن دوره اندک است.» (مؤذنی، ۱۳۹۲: ۳۴۵) با این اوصاف، اما نویسنده «قوانین دستگیری» در هر مقوله دستوری، به تعریف و توصیف آن در زبان فارسی هم توجه دارد و در بسیاری موارد تفاوت مقوله‌های دستوری در زبان عربی و فارسی را گوشزد می‌کند؛ «بدان که در عربی مطابقت میان موصوف و صفت ضرور است یعنی هرگاه موصوف مذکر باشد، باید که صفت هم مذکر باشد و هر گاه موصوف مونث باشد باید که صفتش نیز مونث باشد. پس در عربی وقتی که زید را موصوف به علم می‌نمایند، عالم می‌گویند و هرگاه زینب را موصوف به علم می‌نمایند، عالمه می‌گویند. از این جهت، کسانی که ماهر زبان فارسی نیند، گمان می‌برند که در پارسی هم این مطابقت ضرور است و این گمان ایشان غلط است و مطابقت و عدم مطابقت در تذکیر و تأنیث در فارسی هر دو برابر است» (دستگیر، ۱۳۶۵: ۳۲۱)

«در پارسی مذکر و مونث یکسان است و از شش صیغه مذکر غائب و حاضر و دو صیغه تشبیه ترک کرده، چه در پارسی هر چه بر واحد زیادت باشد، در عدد جمع است و برای تشبیه صیغه جدا موضوع نیست بلکه وقت ضرورت به همین صیغه جمع معنی تشبیه گیرند.» (همان: ۷۵)

علاوه بر اینها مولف، فصلی از نوشته خویش را به بیان خاستگاه زبان فارسی و مشخص کردن محدوده جغرافیایی سرزمین پارس و همچنین سیر تاریخی زبان فارسی از باستان تا فارسی دری، اختصاص داده است و این یکی از وجوه امتیاز این کتاب است که بر دیگر کتاب‌های دستور زبان نگارش یافته در شبه قاره دارد.

درباره مؤلف

در منابع تراجم رجال همچون فرهنگ سخنوران و تذکره ریاض‌العارفین و تذکره شمع انجمن، نتایج‌الافکار و ... نامی و شرح احوالی از غلام دستگیر مؤلف «قوانین دستگیری» نیامده است. از همین اثر وی آشکار است که او نویسنده، شاعر و ادیبی توانمند است. تنها منبعی که از او یاد کرده است خاناباا مُشار در کتاب «مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی» است که به واسطه چاپ سنگی‌ای که از این کتاب در سال ۱۲۷۱ق صورت گرفته نویسنده را البته به صورت ناقص معرفی کرده است؛ یعنی سال تولد و وفات او را ذکر نکرده و آثاری را به او نسبت داده که بعدها در کتاب «دانشنامه ادب فارسی» به کسان دیگری با همین نام منسوب

است. آنچه در اینجا به عنوان احوال مؤلف بیان می‌شود، تنها با تکیه بر متن نسخه است که با ارائه شاهد از متن اثر به آن اشاره می‌شود؛ درباره تاریخ تولد و وفات نویسنده در مقدمه نسخه عبارتی آمده که می‌توان با توجه به آن تاریخ ولادت او را مشخص کرد و آن این عبارت است؛ «هر که این مختصر خواند مؤلف عاصی را به فاتحه یاد فرماید، چه عمر عزیز به ستین [۶۰] رسیده اما در طلب دنیا که متروک تارکان آن است به ملاحی و مناهی صرف گردیده و به احکام و اوامر الهی که مطلوب طالبان خدا باشد نحو التفات به وقوع نیامده» (همان: ۱۱)

از آنجا که تاریخ نگارش نسخه ۱۲۶۵ق است و نویسنده در آن هنگام ۶۰ سال داشته است و می‌توان گفت که او متولد سال ۱۲۰۵ق است.

کیش و آیین غلام دستگیر همچون بسیاری از زوایای زندگی او بر ما نامعلوم است اما مطلبی که در ص ۸۱ نسخه خطی آمده است احتمال شافعی مذهب بودن او را قوت می‌بخشد و آن این است که: «جائز نیست تشبیه نمودن اسمی به اعتبار دو معنی مختلف پس نگفته شود قرآن به ضم قاف و سکون راء مهمل تشبیه قرء به ضم قاف و سکون راء مهمل و همزه به آخر و ارادت کرده شود به آن طهر و حیض بلکه ارادت کرده شود به آن دو طهر بر مذهب امام شافعی مطلبی که مولف از مقلدان اوست یا دو حیض بر مذهب امام اعظم رضی الله عنهما و عن محبها» با توجه به اینکه مذهب شافعی در زمان ظهور عثمانیان در ممالک اسلامی رواج بسیار یافت و در آغاز قرن دهم هجری دیگر مذاهب را تحت الشعاع قرار داد به طوری که امروزه بسیاری از مسلمانان فلسطین، اردن، سوریه، لبنان، عراق، حجاز، پاکستان، هند، اندونزی، یمن و کردهای ایران شافعی هستند (الجهنی، بی تا: ۱۲۴) می‌توان گفت که نویسنده ما به احتمال قوی، شافعی مذهب است.

درباره آثار و تألیفات مؤلف باید بگوییم مشار در کتاب فهرست کتاب‌های چاپی آثاری از جمله دیوان شعر لخلخه گلاب را به نویسنده نسخه ما منسوب می‌داند، اما با تتبع اشعار سروده مؤلف در نسخه و تطبیق آنها با اشعار این دیوان، باید مطلبی را که در دانشنامه ادب آمده است و آفرینندگان این دو اثر یعنی «قوانین دستگیری» و «لخلخه گلاب» را دو نفر که تقریباً همزمان با یکدیگر می‌زیسته‌اند، پذیرفت. البته از آنجا که درباره زندگی و شرح حال نویسنده ما تاکنون مطلبی در کتب تذکره و تاریخ ادبیات نیافته‌ایم، از آثار تألیفی او نیز بی‌اطلاعیم و با توجه به توان علمی و ادبی بسیار بالایی که در نگارش این نسخه به رخ می‌کشد چه بسا آثار دیگری حداقل در زمینه‌های ادبی داشته باشد. این موضوع با توجه به اشعار و تکبیهایی که از سروده‌های خودش، در خلال مباحث دستوری، ذکر می‌کند بیشتر قوت می‌گیرد؛ از آن جمله‌اند:

«عدوئی که اظهار عیب کند / به از دوستداری که اخفا کند» (۶۵۹)
«خلق نیکو و سخاوت و مروت از ناس / در خبائی که زدندش به سرت ای ممدوح» (۲۲۰)

سبک نثر «قوانین دستگیری»

در سبک‌شناسی نثر، مهم‌ترین عامل، دقت بر انواع واژه‌ها و جملات است هر چند بحث جمله مربوط به زبان‌شناسی است و سبک‌شناسی معمولاً به کلام می‌پردازد اما زبان‌شناسی نیز نهایتاً ابزاری است که سبک‌شناسی با آن به مطالعه متون ادبی می‌پردازد. اگر بتوان گفت همین که از «درجه صفر نگارش» (اصطلاح رولان بارت) خارج شویم با سبک مواجهیم باید دید که عواملی که کلام را از درجه صفر نگارش خارج می‌کند، چیست؟ این عوامل در نثر مرسل مثلاً تکرار لغت و جمله است حال آن که در نثر فنی عناصر شعری از قبیل تشبیه و استعاره و سجع و وزن است» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۲۷۴) با این توضیح به بررسی سبک نثر «قوانین دستگیری» در دو بخش صوری و محتوایی می‌پردازیم:

۱- بخش صوری

صورت متن کتاب «قوانین دستگیری» در بسیاری از موارد همانند تابع شکل رایج کتب دستوری پیش از خود و همعصر خویش

است. خصوصیات سبکی کتاب در بخش صوری در زمینه ویژگی‌های زبانی و مختصات ادبی عبارت‌اند از:

الف- ویژگی‌های زبانی: در نثر «قوانین دستگیری» جنبه‌های زیبای صرفی وجود دارد که می‌توان آنها را سبک شخصی نویسنده آن به حساب آورد از آن جمله‌اند:

- کاربرد برخی واژه‌های عربی در ساختار نحوی جمله فارسی

«مضامینی که در عربی و فارسی اکثر مشترک اند اما به استقراء ناقص خود مدون آنها در پارسی نیافتم. این چنین مفاهیم به سرخی «مخفی نماند» معنون نمودم» (دستگیر، ۲۶۵ق: ۳)

«عمر عزیز به ستین [۶۰] رسیده» (همان: ۴)

«ایضا در این بیت برای تثبیه صیغه جمع آمده است.» (همان: ۸۶)

- ترکیب‌های اسمی و وصفی:

این ترکیبات هم که بیشتر عربی هستند در جمله‌های فارسی بسیار خوش نشسته‌اند:

«این قحط زده کنعان علم و فهم، بضاعت مزجات به حضرات عزیز آورده» (همان: ۵)

کلمه ستایش و نیایش شایان شاهنشاهی که شاهی شاهان جهان، نمی است از یم جود او و کلام سپاس بی قیاس سزاوار دارائی که دارایی سکندر و دارا، رشحه‌ای است از دریای بخشش او و قوانین درود، صرف دستگیری که به دستگیری نحو رفتش دشتگیران دشت گمراهی به شاهراه نجات شتافته و رساله قواعد اهل عجم همچو کتاب ضوابط عرب به اصلاح هدایتش، بُلغه صحت و صواب یافته» (همان: ۲)

«اما در طلب دنیا که متروک تارکان آن است به ملاحی و مناهی صرف گردیده و به احکام و اوامر الهی که مطلوب طالبان خدا باشد نحو التفات به وقوع نیامده» (همان: ۴). به طور کلی، وفور لغات و ترکیبات عربی، ویژگی سبکی است که در آثار این دوره (دوره بازگشت) دیده می‌شود.

- افعال پیشوندی و مرکب: مبحث فعل در شناخت سبک هر نویسنده‌ای بسیار مهم است؛ زیرا افعال مخصوصاً از نظر ساخت در هر زمانی شکل ویژه ادبی به خود می‌گیرند؛ مثلاً در متون نثر مرسل فعلها ساده و پیشوندی‌اند و در نثرهای متکلف «افعال مرکب» بسیار پر کاربردند. در «قوانین دستگیری» بسامد افعال مرکب بیش از پیشوندی است. **افعال پیشوندی** مانند: «از بعضی مصادر زبان دری فقط صیغه ماضی بر می‌آید» (همان: ۲۲) و «و صبح شود و آفتاب بر آید» (همان: ۷۸۶)

و افعال مرکب که بیشتر با «نمودن» و «فرمودن» ساخته شده است؛

«لهذا اراده تالیف نمودم» (همان: ۳)

«این چنین مفاهیم به سرخی «مخفی نماند» معنون نمودم.» (همان)

«هر که این مختصر خواند مؤلف عاصی را به فاتحه یاد فرماید.» (همان: ۵)

از آنجا که نویسنده این اثر فردی آگاه از علوم ادبی و ادیبی توانمند است در جای جای نوشته خویش هنگام نقل مطلب از منابع دستوری به توضیح و تکمیل آن از آموخته‌های خاطر خویش می‌پردازد. این قسمت‌ها را با عبارت «پوشیده مباد» از سایر مطالب کتاب جدا کرده‌است؛ «و مطالبی که بعضی مصنفان فارسی در صدد بیان آن شده‌اند. اما به اجمال چنین مقاصد به اندک تفصیل به سرخی «آگاه باش» نشان دار گردانیده و کمتر فوائد فرائد که از اساتذده متفرقاً به سمع رسیده و بسیار زوائد با عوائد (جمع عائده به معنی منفعت) که در خاطر فاتر سنوح یافته همچنین مفهومات به سرخی «پوشیده مباد» عنوان دار» (همان: ۳)

- ذکر معادل هندی و ترکی برخی لغات:

و پالاهنگ که پالاهنگ است؛ یعنی رسن جنیبت کش که به هندی باکدور خوانند (همان: ۱۳۲)

اراک به کسر همزه که در هندی پیلو گویند تفسیر درخت واقع شده (همان: ۳۰۰)

و استر و ستر بغل که است مخفف آن است و به ترکی خچر گویند (همان: ۴۳۶)

اورکنج لغت ترکی است که آن را معرب ساخته جرجانیه گفته‌اند (همان: ۴۴۲)

ماغ بر وزن باغ نوعی از مرغابی است و آن سیاه می باشد و به عربی مائیکون و به ترکی «قشقداق» می گویند (همان: ۴۷۹)

- رسم الخط:

«هرچند فارسی زبانان در طول سده های چهارم تا دهم به جهت نگارش و رسم الخط، قواعد و اصولی وضع نکردند ولی از سده دهم که زبان فارسی در شبه قاره هندوستان و آسیای صغیر به عنوان زبان فرهنگی و عقیدتی رواج یافت و فراگیر شد، عده‌ای از اهل زبان بر آن شدند که حروف فارسی را نشان دهند و پاره‌ای از شیوه‌های رسم الخط فارسی را مورد بحث و فحوص قرار دهند. از این جاست که در مقدمه کتب لغت که از سده دهم در شبه قاره هند و آسیای صغیر تألیف شده است- مؤلفان از حروف فارسی و چگونگی نگارش آن‌ها سخن گفته‌اند؛ چنان‌که میرجمال‌الدین حسین انجو شیرازی در آیین یازدهم از مقدمه فرهنگ لغت خود از املاء فارسی یاد کرده است (مایل هروی، ۱۳۸۰: ۳۱۰)

برخی نکات مربوط به رسم الخط این نسخه خطی که بی تاثیر از شیوه‌های رایج این دوره - سده یازدهم تا سیزدهم- نیست بدین شرح است: ۱- متصل نوشتن «که» به کلمه پس از خود؛ اینستکه، کسیکه، راهیکه ۲- حرف «گ» همانند «ک» کتابت شده است؛ کلستان، کردانید و ... ۳- پیشوندهای فعلی پیوسته به فعل نوشته شده است؛ براید. ۴- صفات تفضیلی و عالی / تر و ترین / را به کلمه ماقبل آن چسبانیده نوشته است؛ خوبترین، نیکترین ۵- ضمائر اشاره «آن» و «این» متصل به کلمات پس از آن‌ها نگاشته شده است؛ آنست، اینست، آنکه و ... ۶- متصل نوشتن «به» به کلمه پس از آن؛ باتفاق، بشکل (به جای «به شکل») بهیئت، بصورت و ...

- آوردن جملات طولانی:

«و قواعدی که نزدیک اهل فرس مشهور و مقبول نزد جمهور بود بلا تصریح بذکور و بی اشارت مسطور به سلك تحریر آورده تا مبتدی را به کار آید و متوسط را یادگار و منتهی را به مصداق من سترّ علی مسلم سترالله تعالی علیه فی الدنيا و الاخره، از تخطیه اغماض نموده به اصلاح کوشد» (دستگیر، ۱۲۶۵ق: ۳)

- حذف «ها»ی غیرملفوظ هنگام جمع بستن کلمات با «ها»:

خطب‌ها: «در خطب‌ها بعد حمد و صلوه اما بعد و نحوها می آرند» (همان: ۷۴۷)

- کاربرد «مر» برای تاکید مفعول:

«قوله علم است به اصول به منزله جنس باشد شامل است مر صرف و نحو و غیرهما را» (همان: ۱۳)

- کاربرد «را»ی فک اضافه:

«و هید به کسر هاء و به فتح آن و سکون یاء تحتانی و دال مهمل در آخر زجر است مر شتر و ابل را» (همان: ۷۲۲)

- کاربرد «به هر کیف» به جای «به هر حال» و «ای» به جای «یعنی»:

«به هر کیف گاهی مضاف الیه بر مضاف خود چون صفت بر موصوف مقدم آید بنا بر ضرورت وزن بیت: خدایا جهان

پادشاهی تراست / ز ما خدمت آید خدایی تراست ای پادشاهی جهان» (همان: ۳۰۱)

- کاربرد ضمیر «او» برای غیرجاندار:

«این نام را در بلندی و قدر از کیوان گرفته اند چه او بلندترین کواکب سیاره است.» (همان: ۳۸۹)

«می پرسند تو را از ماه حرام یعنی از قتال در او.» (همان: ۲۵۴)

- کاربرد «مع» به جای «با»:

«دلالت کند بر صدور فعل در زمان گذشته مع تضمن معنی شرط و تمنا» (همان: ۳۸)

- کاربرد «به» به جای «با»:

«هرگاه در میان یا آخر کلمه نون و باء موحد اصلی یکجا به هم آیند (همان: ۱۳۴)

- اصطلاحات علوم مختلف:

بازتاب اصطلاحات علوم مختلف از قبیل حکمت و منطق و صرف و نحو آنگونه که خود مؤلف در مقدمه اثر ذیل خواص تالیف خود می‌نویسد:

«و از اینهاست آگاهی بر علوم یعنی که بعضی مسائل صرف و نحو و منطق و حکمت و فن انشا باسانی در امثله» (۳) مباحثی چون اسم جنس اسم کلی و .. که مربوط به علم منطق است؛ «در بیان فرق اسم نکره از اسم جنس اسم کلی هست نکره نوع باشد.» (همان: ۸۵)

منطق: «تساوی دو شیء در منطق چنان است که هر دو بر ذات واحد کلی یا صادق آیند مثلاً انسان و حیوان ناطق بر زید و در نحو و فن لغت دو اسم مترادف از لغت واحد یا جداگانه حکم مساوات دارند مثل نار و آتش.» (همان: ۱۷۴)

نجوم: «نزد ارباب نجوم حائل شدن دو عقد منحوس است و اینجا حیولت دو عقد لازم نیامده زیرا که عقد سی بر یک طرف از طرفین اعداد مقیس علیه واقع شد و بیست اگرچه حائل است اما منحوس نیست چه متعین است که حیولت عقد واحد داخل به نحوست ندارد پس قیاس مذکور از قسم قیاس‌الشیء علی مفارقه باشد.» (همان: ۴۲۹)

حکمت: «این می‌باید غلط باشد چه در حکمت مبرهن است که لون لازم اجسام مرکب است و بسیط را از تلون بهره‌ای نیست.» (همان: ۵۶۹)

ب- ویژگی‌های ادبی:

با وجود آن که کتاب «قوانین دستگیری» یک اثر علمی است و به طور طبیعی باید زبانی ساده و بی‌پیرایه داشته باشد؛ اما در مقدمه کتاب و هرجایی که نویسنده خود به اظهار نظر می‌پردازد، کلام خویش را به آرایه‌ای ادبی زینت می‌دهد و ذوق و توان ادبی خود را به رخ می‌کشد. برخی از این آرایه‌ها عبارت‌اند از:

آرایه‌های بدیعی:

- **سجع متوازی:** «نسبت من هیچ مدان که هنوز پل و چفته نادانی در کف دارم با ماهران گذشته بی‌تأمل نسبت بیاج کدوست در بلندی با درخت چنار یا سهای شب بدر است با آفتاب نصف نهار» (همان: ۳)

«اگرچه مراد از لفظ علم، علم دین است و ضوابط فارسی غیر این.» (همان: ۲)

«اولادِ نسبی در سنّ صغر از بر من به رشته جگر کشیده عوضش خلف‌الصدق معنوی و نعم‌البدل باطنی بخشیده» (همان: ۱۲)

- **سجع متوازن:** «قوانین درود، صرف دستگیری که به دستگیری نحو رفتش دستگیران دشت گمراهی به به شاهراه نجات شتافته و رساله قواعد اهل عجم همچو کتاب ضوابط عرب به اصلاح هدایتش بلغه صحت و صواب یافته (همان: ۲)

- **سجع مطرف:** «قوانین درود، صرف دستگیری که به دستگیری نحو رفتش دستگیران دشت گمراهی به به شاهراه نجات شتافته و رساله قواعد اهل عجم همچو کتاب ضوابط عرب به اصلاح هدایتش بلغه صحت و صواب یافته (همان)

«و اما بعد می‌گوید خادم علما دین و خاک پای فضلاء شرع متین غلام دستگیر ابن غلامحسین...» (همان: ۲)

«بعد ادراک سوال و جواب- مرقوم‌الصدر اعتراضات مذکور مثل حریر به آب است یا طنین ذباب» (همان: ۱۲۷)

- جناس:

«کلمه ستایش و نیایش شایان شاهنشاهی که شاهی شاهان جهان نمی‌است از یم جود او و کلام سپاس بی‌قیاس سزاوار دارائی که دارائی سکندر و دارا رشحه ای است از دریای بخشش او.» (همان: ۲)

آرایه‌های بیانی

- تشبیه: «و نسبت من هیچ مدان که هنوز پل و چفته نادانی در کف دارم با ماهران گذشته بی‌تأمل نسبت بیاج کدوست در

بلندی با درخت چنار یا سهای شب بدر است با آفتاب نصف نهار» (همان:)

«بعد ادراک سوال و جواب مرقوم‌الصدر اعتراضات مذکور مثل حریر به آب است یا طنین ذباب» (همان: ۱۲۷)

اضافه تشبیهی: ای اخوان با صفا هر گاه این قحط زده کنعان علم و فهم بضاعت مزجات به حضرات عزیز آورده به اخلاق

یوسفی از اعطاء غله استغفار جائع عصیان را شبعان فرمایند.» (همان: ۴)

همچو گرگ به حرص گوشت تعصب در پوست کنی من نادار قف مصر مهارت و استعداد به دام چاه حسد مقید نشوند.»

(همان)

- **استعاره:** «ای کریم بی نیاز این خزف پاره‌های کم قیمت را به اشتراء قبول خاص و عام گران بها گردان و یا غفور بنده نواز

این روسیاه جهان عصیان را به روسفیدی آن جهان برسان.» (همان: ۵)

- **کنایه:** «کمر سیخ کردن کنایه از اندک آرام نمودن» (همان: ۱۹۵)

«تشمیر: دامن بر کمر زدن است و آن کنایت است از مستعد راه بودن» (همان: ۲۱۹)

«کمر به استیصال آن طائفه بست که مشهورتر به استجابت دعا بودند.» (همان: ۸۰۳)

سایر ویژگی‌های سبکی

- استشهاد به اشعار:

در قوانین دستگیری در خلال مباحث دستوری به اشعاری زیبا بر می‌خوریم که برخی از آنها از شاعران طراز اول ادب پارسی همچون سعدی و حافظ و فردوسی اند و برخی دیگر از شاعرانی [ایرانی یا هندی] نقل شده که کمتر شناخته شده و گاه ناشناخته‌اند. همانند شهید قمی، پوربهای خامی، ملک قمی، حیدرکلوج، رشکی همدانی و ... از این حیث این اثر حائز اهمیت فراوانی است و نقش مهمی در ثبت و پاسداشت اشعار زبان و ادب فارسی دارد.

در میان شاعران از سعدی علیه‌الرحمه بیش از هر شاعر دیگری سخن به میان آمده و نمونه‌های زیبایی از شعر و نثر او به عنوان شاهد مثال برگزیده است. پس از سعدی، به حافظ بیش از شاعران دیگر اشاره شده است. نویسنده این اثر به مقام شامخ این شاعران به خوبی آگاه است و این مهم را در نثر خویش آنجا به نمایش می‌گذارد که به هنگام ذکر شعر از شاعران بزرگی چون سعدی و حافظ و فردوسی، فعل «فرماید» به کار می‌برد و از دیگران با فعل «می‌گوید» نقل شعر می‌کند.

- استشهاد به آیات و احادیث:

در این نسخه خطی، تلمیح به آیات و احادیث در لابه‌لای مطالب دستوری گاه به عنوان شاهد مثال و گاه برای تاثیر و زینت بیشتر کلام، رخ می‌نماید که از آن جمله‌اند:

«والشعراء يتبعهم الغاوون الا للذين آمنوا» (۴۱۰)

«ان الله لا يضيع اجر المحسنين» (۵)

- احادیث:

«اذا مات المؤمن و ترك ورقه واحده عليها العلم تكون تلك الورقة يوم القيامة سترا بينه و بين النار و اعطاه الله مدینه اوسع من الدنيا

سبع مرات» (۲)

«الدنيا جيفةٌ و طالبها كلاب» (۴۶۴)

«ان لله كنزاً تحت العرش مفاتيحها السنة الشعراء» (۴۱۰)

- ضرب‌المثل:

یکی از نکات مولف «قوانین دستگیری» در جای جای اثرش بنا به مقتضای حال و مقام از مثل‌های رایج عربی یا فارسی

استفاده می‌کند که از آن جمله‌اند:

«الانسان مرکب من الخطا والنسیان» (۵)

«ایاس حد خود بشناس» (۵۳۶)

«تا نباشد چیزکی مردم نگوبند چیزها» (۹۱)

-ماده تاریخ:

نویسنده در مقدمه اثرش تاریخ نگارش نسخه (۱۲۶۵) را به صورت ماده تاریخ بیان کرده است؛ «سال تاریخ جستم از اعلام / گفت هائف زمنت علّام / شد قوانین دستگیری نام / بی سر نقص دان سن اتمام» (۵)

۲- بخش محتوایی

- استناد علمی و امانت داری:

ذکر منابع اثر به صورت مفصل در ابتدای نسخه و در اثنای کلام، در واقع کتابشناسی کتب دستوری آن زمان هم به حساب می آید که هم بر غنای علمی «قوانین دستگیری» می افزاید و هم قدرشناسی و امانت‌داری نویسنده آن را نشان می‌دهد به جهت اهمیت این بحث، مآخذ کتاب به عینه نقل می‌شود:

«اسامی کتبی که ماخذ این تالیف است بدین تفصیل فرهنگ جهانگیری جمال‌الدین حسین انجوی، برهان قاطع محمد حسین متخلص ببرهان منتخب اللغات و فرهنگ عبدالرشید تحفه‌العجم سید حسین شاه، دستورالفرس عبدالواسع هانسوی، شجره‌المعانی و نهرالفصاحه و چار شربت هر سه از میرزا محمد حسن قتیل‌الکنوی تکمله فارسی قطب علی منتخب‌النجو امیر حیدر حسینی بلکرمی رساله عبدالباسط میتهونی دقائق الانشاء نجهور داس ولد رنجیت رای کایت جونفوری مدارالافاضل الله داد فیض سربندی جواهر الحروف تصنیف بیک چند دهلویی، جامع القوانین خلیف شاه محمد، قلم هفتم قبول محمد جامع فوائد فوارش علیخان شیوا دیباچه مویدالفضلا ترتیب القواعد حاجی فضل علی خان مناظرالانشاء محمود بن شیخ محمد گیلانی، مصباح‌المتبذی محمد رحم علیخان، موهبت عظمی سراج‌الدین علیخان، حدائق‌البلاغه شمس‌الدین، مجمع‌الصنائع نظام‌الدین احمد، چارچمن غلام محی‌الدین، تحقیق القوانین حاجی محمد، مخزن‌الفوائد محمد فائق صدیقی جامع‌التمثیل محمد علی حبل رودی شرح گلستان از بدر علی شرح سری بحران از سروری دیباچه سرو ازاد میر غلام آزاد بلکرامی رساله عروض سیفی‌المعجم فی معائر اشعارالعجم محمد بن قیس فوائد ضیائی عبدالرحمان جامی تحریر قواعد منطقی شرح رساله شمسی میبذی، شرح هدایه حکمت، مختصر معانی و مطول سعدالدین تفتازانی.» (ص ۵)

همچنین در مواردی که مطلبی را نقد می‌کند در کمال عزت و احترام مقام علمی نویسنده آن را گوشزد کرده و نقدی منصفانه را نشان می‌دهد؛ «این اشکالات نظر به مثل من عام ناس است و نیست کلام در این اما مقامی که امام اهل لغات موقف آن دارد پس آن معذور است بلکه مصیب و مشکور زیرا که می‌بیند نزدیک هر شرر شمس را و با هر قطره بحر را و نیز بعد ادراک سوال و جواب مرقوم‌الصدر اعتراضات مذکور مثل حریر به آب است یا طنین ذباب» (۱۲۷)

امانت داری نویسنده وقتی به اوج خودش می‌رسد که اگر مطلبی را می‌داند ولی صاحب آن را نمی‌شناسد آن را مشخص نموده و با عبارت «مخفی نماند» مطلب را ارائه می‌دهد؛ «مضامین که در عربی و فارسی اکثر مشترک‌اند اما به استقراء ناقص خود مدوّن آنها در پارسی نیافتیم این چنین مفاهیم به سرخی «مخفی نماند» معنون نمودم» (۳)

- بیان مفصل و دقیق مباحث دستوری: مؤلف این اثر در مقدمه کتاب خویش محاسنی که این نوشته بر کتاب‌های مشابه خود دارد برمی‌شمرد که مهم‌ترین آنها بیان مفصل موضوعاتی است که در مآخذ دیگر به صورت اجمال بیان شده است. «و از خواص اضافی اعنی نسبت به مآخذ این تالیف است؛ التزام شرح نثر و نظم مشکل و حل لغات که در امثله و استشادات آمده و از اینهاست تفصیل اکثر مطالب به دلائل و وجه تسمیه بعضی الفاظ ملقب که اجمالاً در ماخذ این وارد شده و از اینها باشد

که چون ماهران کامل و کاملان ماهر از عدم التفات به قوانین فارسی تعریفات الفاظ مصطلح صرف و نحو چنانکه باید و مسائل علم معانی که اکثر مشترک میان عربی و فارسی است اقتصاراً بیان فرموده فقیر حقیر برای نفع فارسی خوانان تعریفات مذکور که جامع و مانع باشند و اکثر مسائل علم معانی با بیان فوائد قیود جنساً و فصلاً از روی اختصار در این رساله آورده و از اینهاست که اکثر کلمات و جمل این رساله موافق قواعد فارسی است مگر تراجم عربی نظم باشد یا نثر» (۲)

-برخورد تحلیلی و انتقادی نویسنده:

ذکر منابع معتبر دستوری اگر چه بر ارزش علمی این اثر می افزاید و آن را به عنوان منبع و مأخذی مهم معرفی می نماید اما این موضوع باعث نشده که نویسنده فقط راوی سخن دیگران باشد بلکه خود او به عنوان ادیبی آگاه درباره موضوعات مختلف دستوری و بلاغی صاحب نظر است و گاه به تحلیل و حتی نقد منصفانه می پردازد که این تحلیل ها با عبارت «پوشیده مباد» آغاز می گردد. به عبارت دیگر، نویسنده این اثر حضوری فعال و پویا در مباحث طرح شده کتاب دارد و حاصل مطالعه و پژوهش دوازده ساله خویش را در اختیار مخاطب نیز می گذارد؛ «پوشیده مباد که از این جواب لازم آید که مضارع و امر آهیختن بر تقدیر تسلیم اصلش هم آزد آزد آید، چه قاعده است که صیغه مضارع و امر از اصل گیرند نه از فرع و از فرع نیز آزد آید» (۶۵)

نتیجه

بررسی ویژگی های سبکی «قوانین دستگیری» پیش از هر چیز، دانش ادبی نویسنده و آگاهی او از منابع دستور زبان فارسی و لغت نامه عصر خویش را نشان می دهد. این اثر اگر چه چون دیگر آثار دستوریان شبه قاره به سبک و سیاق زبان عربی نگاشته شده است، در بسیاری از موارد رعایت اعتدال را کرده و تعریف و توصیف قواعد دستوری مختص زبان فارسی را از یاد نبرده است. در بخش سبک شناسی صوری کتاب، وفور واژگان عربی به تأثیر از سبک رایج دوره بازگشت، دیده می شود. همچنین کاربرد خاص برخی لغات عربی و ترکیبات فارسی و عربی در ساختار نحوی جمله قابل توجه است. این ترکیبات اغلب ساده و کوتاه و ادبی اند. افعال مرکب بیش از افعال ساده و پیشوندی به کار رفته است. نثر کتاب در قسمت های غیر از مقدمه نثری ساده و علمی است، اگر چه نویسنده در جای جای اثر خود، ذوق و توان ادبی اش را با استفاده از آرایه های ادبی به رخ می کشد. دقت فراوان مولف در ذکر شواهد شعری از شاعران ایرانی و هندی نیز شناخت قابل تحسین او را از شعر فارسی نشان می دهد. نکات اخلاقی نهفته در دل بعضی از این اشعار نیز مسلماً دور از نظر نویسنده نبوده است. نکته قابل توجه دیگر آگاهی و اشراف نویسنده در علمی چون منطق، نجوم حکمت است. در بخش محتوایی این اثر مهم ترین مطلب استناد علمی مطالب و امانت داری مؤلف در ذکر منابع است. همچنین بیان دقیق و مفصل مباحث دستوری، ساختارمند بودن متن و برخورد نقادانه نویسنده با برخی موضوعات دستوری از محاسن آن به شمار می آید. نکته پایانی این که با عنایت به نگارش این کتاب در شبه قاره هند، موقعیت زبان و ادب فارسی، همزمان با دوره قاجار در این سرزمین شناخته می شود و به جهت در برداشتن شواهدی از فرهنگ عامه هند و مقایسه آن با ایران حتی در مطالعات جامعه شناسی و مردم شناسی فایده رسان خواهد بود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. انوشه، حسن. (۱۳۷۵). *دانشنامه ادب فارسی*، ج ۴، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۳. اویسی کهنخا، عبدالعلی. (۱۳۹۴). «ویژگی های سبکی تاریخ ایلچی نظام شاه»، *فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان*، سال هفتم، شماره ۲۴، ۷-۲۸.
۴. بهار، محمد تقی. (ملک الشعرا). (۱۳۵۶). *سبک شناسی*، ج ۱، ۴، تهران: امیرکبیر.

۵. الجهنی، مانع بن حماد. (۱۴۲۰ق). الموسوعة المیسرة فی الادیان والمذاهب المعاصرة، ج ۲، ریاض: دارالندوة العالمیه.
۶. خیامپور، عبدالرسول. (۱۳۷۵). دستور زبان فارسی، ج ۱۰، تهران: کتابفروشی تهران.
۷. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۹). سبک‌شناسی نثر، ج ۴، تهران: میترا.
۸. دستگیر، غلام. (۱۳۶۵ه). قوانین دستگیری، نسخه دست‌نویس موجود در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۹. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۱). تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، تهران: فردوس.
۱۰. قریب، عبدالعظیم و (۱۳۷۸). دستور زبان فارسی پنج استاد، ج ۲، تهران: فردوس.
۱۱. مایل هروی، نجیب. (۱۳۸۰). تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، ج ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. محمود، سیدفیاض، سید وزیرالحسن عابدی. (۱۳۸۰). تاریخ ادبیات فارسی در شبه قاره هند، ج ۱، تهران: رهنمون.
۱۳. مشار، خانبابا. (۱۳۵۲). فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، ج ۳، تهران: چاپخانه رنگین.
۱۴. مؤذنی، علی. (۱۳۹۲). دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره، ج ۳، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

تصویر صفحه نخست نسخه

